

تأثیر مکتب رمانتیسم بر روزنامه عرفان

زهرا رحمانی^۱، محبوبه خراسانی^{۲*} و مرتضی رشیدی آشجردی^۳

چکیده

در دوره پهلوی اول مطبوعات فروغ چندانی نداشت. در حقیقت دوران سلطنت پهلوی اول را باید دوره خاموشی و رکود مطبوعات به حساب آورد. در این شرایط زمینه برای رشد ادبیات ژورنالیستی به شیوه دوران مشروطیت فراهم نبود و قلم‌ها و اندیشه‌ها، خود به خود و یا با هدایت دستگاه رضاشاهی، به سمت جنبه‌های کم‌خطر ادبیات مانند ترجمه سوق یافتند. در دوره پهلوی اول بیشترین ترجمه‌ها در حوزه ادبیات بوده که با بررسی مطالب این حوزه، تأثیر خاص رمانتیسم مشاهده می‌شود و به تبع آن، روزنامه عرفان با ربع قرن فعالیت نیز از این روش دور نبوده است. در مقاله پیش رو به ادبیات ترجمه‌ای و عاشقانه‌های ادبی روزنامه عرفان پرداخته می‌شود. برای بررسی و مطالعه جنبه ادبی نشریه عرفان از روش تحقیق استفاده از «داده‌های موجود» و «تکنیک تحلیل محتوا» بهره گرفته شده است. جامعه آماری، مطالب ادبی درج شده در روزنامه عرفان است. از مؤلفه‌های مکتب رمانتیسم هیجان و احساس، رتبه اول را در روزنامه به خود اختصاص داده است. شور و هیجان در متون روزنامه عرفان موج می‌زند و مخاطب را به دنیای عشق و اشتیاق می‌برد. عشق از مهم‌ترین درون‌مایه‌های مطالب درج شده است.

کلیدواژه‌ها: روزنامه عرفان، عاشقانه، ادبیات ترجمه‌ای، رمانتیسم.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

مقدمه

ادبیاتی که در دوره دیکتاتوری پهلوی اول شکل می‌گیرد، به نوعی با فضای ایجاد شده در دوران رضاشاه در تعامل بود. در این دوره، فشار پلیس و سانسور به حدی شدید بود که ذوق را در دل نویسندگان و شاعران کور می‌کرد. شهربانی دستور داده بود که اشعار غم‌انگیز ممنوع باشد و همه باید در شعر، خشنودی و رضایت را بیان کنند. حتی در آن زمان شاعری در وصف جنگل شعری سروده بود و پلیس به بهانه آن که ممکن است این همان جنگلی باشد که میرزا کوچک خان در آن بوده است، اجازه انتشار آن شعر را نداد. (ناتل خانلری، ۱۳۲۶: ۲۴) در این شرایط زمینه برای رشد ادبیات ژورنالیستی به شیوه دوران مشروطیت فراهم نبود و قلم‌ها و اندیشه‌ها، خودبه‌خود و یا با هدایت دستگاه رضاشاهی، به سمت جنبه‌های کم‌خطر ادبیات سوق یافتند. مهم‌ترین این گرایش‌ها تحقیقات ادبی بود که ترجمه و مطالب متأثر از ترجمه، از این دست است. روزنامه‌ها نیز که در این برهه از زمان، با اطلاع رسانی به عنوان ماهیت اصلی رسانه‌ها، روبه‌رو گردیده بودند، ناگزیر بیشینه متون خود را به سمت ادبیات و فرهنگ نجات یافته از ممیزی دوره دیکتاتوری پهلوی اول، سوق دادند. به تبع مدیران و نویسندگان نشریات نیز که بیشتر آنها اهل مطالعه بودند، تحت تأثیر کتاب‌های ترجمه شده آن روزگار، مطالب ادبی و فرهنگی روزنامه را در قالب مکتب رمانتیسیم رواج یافته در غرب منتشر می‌کردند. این چنین بود که نشریه‌هایی همچون اخگر، ارژنگ، عرفان، نمکدان، افسانه، دنیا و... مانند دیگر رسانه‌های دوران رضاشاه که برای انتشار شرایط سیاسی و اجتماعی و نقد فعالیت‌های شاه با محدودیت مواجه شده بودند، در این مسیر حرکت کردند.

بیان مسأله

در این پژوهش روزنامه عرفان مورد بررسی قرار می‌گیرد و هدف از آن به دست آوردن دیدگاهی نو نسبت به مطالب ادبی این روزنامه با بررسی متن‌های ترجمه شده آن و گرایش مدیر مسئول آن به مکتب رمانتیسیم است و تلاش می‌شود تا بدین پرسش‌ها پاسخ داده شود: عناصر و

مؤلفه‌های مکتب رمانتیسم در متون روزنامه‌ی عرفان چگونه منعکس شده است؟ و کدام یک از این مؤلفه‌ها در این روزنامه نمود بیشتری دارد؟

روش تحقیق

این مقاله، پژوهشی کیفی است و به روش اسنادی و تحلیل محتوایی از منظر مکتب رمانتیسم متأثر از ادبیات ترجمه‌ای، در جامعه آماری سال‌های ۱۳۱۲، ۱۳۱۴، ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ به انتشار روزنامه می‌پردازد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

این پژوهش با توجه به اهمیت مطبوعات اصفهان، روند فعالیت روزنامه‌ی عرفان به عنوان یکی از روزنامه‌های محلی، با سابقه‌ای معادل ربع قرن را از لحاظ محتوای ادبی مورد بررسی قرار می‌دهد. از آنجایی که روزنامه‌های اصفهان و نویسندگان دوره پهلوی اول که اهل شهر اصفهان و یا ساکن این شهر بوده‌اند، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این پژوهش قدمی در جهت تبیین و شناسایی و تشکیل نقاط اشتراک مطبوعات محلی با رویکرد روزنامه‌های اصفهان در زمان مذکور محسوب می‌شود و همین شاخصه را می‌توان از جنبه‌های نوآورانه و تازه پژوهش حاضر دانست.

پیشینه پژوهش

درخصوص مکتب رمانتیسم و تأثیرات آن بر ادبیات منظوم ایران، کتاب و مقاله‌های زیادی چاپ شده است، اما رابطه مستقیم و غیرمستقیم این مکتب با ادبیات منشور و مطبوعات از مقوله‌هایی است که مورد کم‌لطفی قرار گرفته است؛ با این حال، با توجه به موضوع مقاله، سعی شده است به پژوهش‌هایی اشاره شود که ویژه ادبیات فارسی با رویکرد مکتب رمانتیسم متأثر از ترجمه‌های داخل کشور و اثرات آن بر روزنامه‌هایی همچون عرفان باشد. عبدالعلی دستغیب (۱۳۵۶) در کتاب نیما یوشیج (نقد و بررسی) حضور این شاعر معاصر را در گسترش مکتب رمانتیسم بسیار مؤثر می‌داند. یعقوب آژند (۱۳۶۳) در کتاب ادبیات نوین ایران به ویژگی‌های ادبی

دورهٔ پهلوی اشاره می‌کند. مرتضی سلطان (۱۳۶۹) در مقاله‌ای با عنوان کتاب‌شناسی مطبوعات ایران به فهرست روزنامه‌های کشور از آغاز پیدایش روزنامه تا جراید دوران رضاخان اشاره کرده است. حسن میرعابدینی (۱۳۷۷) در جلد چهارم کتاب صد سال داستان نویسی ایران، به تأثیر ترجمه در دگرگونی انواع ادبی و نگاه نویسندگان به ادبیات و واقعیت مؤثر می‌پردازد. فردین کولائیان (۱۳۸۰) به نقد کتاب مطبوعات ایران در قرن بیستم نوشته فرید قاسمی پرداخته است. نویسندهٔ کتاب تاریخ مطبوعات و روزنامه‌نگاری ایران را به ۸ دوره تقسیم کرده است؛ صفحات ۷۰-۸۱ کتاب به یکی از دوره‌ها با عنوان از انقراض تا اشغال (۱۳۲۰-۱۳۰۴) و روزنامه‌های دوره پهلوی اول پرداخته است. عوامل ریشهٔ مکتب رمانتیسیم و تأثیرات آن بر دنیای شرق و ایران و همچنین ویژگی‌های مکتب رمانتیسیم از مقوله‌هایی است که بدان اشاره شده است. رضا سید حسینی (۱۳۸۱) نیز در کتاب مکتب‌های ادبی در خلال نوشته‌هایش به مکتب رمانتیسیم و تأثیرات ترجمه می‌پردازد. منصور ثروت (۱۳۸۲) در مقالهٔ مکتب رمانتیسیم، چگونگی پیدایش رمانتیسیم در غرب و تأثیر آن بر ادبیات ایران را تشریح کرده است. مسعود جعفری (۱۳۸۶) نیز کتاب سیر رمانتیسیم در ایران از مشروطه تا نیما را به چاپ رسانده است. محمدحسین جوادی و محسن آسیب پور (۱۳۸۷) در مقاله طبقه‌بندی انواع ادبی از منظر نظریه پردازان مکتب رمانتیسیم به شرح اجمالی طبقه‌بندی نظرات افلاطون و ارسطو و انواع ادبی از نظر رمانتیسیم روی آورده است. انوشیروانی (۱۳۸۹) در مقالهٔ ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران به تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ترجمه بر ادبیات می‌پردازد. حسن زندیه و محسن اسماعیلی (۱۳۹۰) در مقالهٔ روح نامرئی شعر فارسی، تأثیرات عامل‌های سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی بر فراز و فرود رمانتیسیم فارسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. بهزاد خواجهات (۱۳۹۱) نیز کتاب «رمانتیسیم ایرانی» را با رویکرد بررسی جریان رمانتیک در شعر امروز فارسی به همّت نشر بامداد نو منتشر کرده است. گفتنی است غلامرضا پیروز و هاله کیانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل انتقادی کاربست مکتب رمانتیسیم در جریان شناسی شعر معاصر ایران، مکتب رمانتیسیم به کار گرفته شده در ایران را با رمانتیسیم اروپا تطابق داده و نقدهای کلانی بر تفاوت این دو داشته‌اند.

مطبوعات اصفهان در دوره پهلوی اول

با آغاز حکومت پهلوی اول جوی سانسورمآبانه و اختناق آمیز برای مطبوعات کشور حکمفرما شده بود «تعداد کل نشریات منتشر شده در این دوره بالغ بر ۲۷ نشریه در شهر اصفهان بود» (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۴۶). و نشریات صرفاً تخصصی رشد کردند، به طوری که مجله‌های ادبی چون «ارمغان» و «آینده» به انتشارشان ادامه دادند و مجله‌های مهمی مانند: «افسانه»، «دنیا»، «مهر»، «نمکدان»، «کانون شعرا» نیز که محصول این دوره هستند، همگی با موضوع ادبیات فعال بودند. به نوعی باید دوران سلطنت پهلوی اول را باید دوره خاموشی مطبوعات در ایران به حساب آورد. نشریات این دوره یا دچار سانسور شده یا بیشتر جنبه تمجیدگرایانه داشتند. به بیان دیگر روزنامه‌ها که با ممنوعیت انجام رسالت خود مبنی بر چاپ مطالب در خصوص شرایط نابسامان جامعه و اوضاع سیاسی کشور مواجه شده بودند، به ناچار به موضوعات دیگر روی آوردند. نشریات اخگر، صدای اصفهان، ارژنگ و عرفان از یادگاران آن زمان به شمار می‌آیند؛ روزنامه‌هایی مانند صدای اصفهان (مکر، ۱۳۰۷) به تمجید دولت وقت می‌پرداخت. روزنامه‌ای همچون اخگر (امینی، ۱۳۰۶) بیشتر به بازنویسی تاریخ اصفهان و مسائل شهرسازی روی آورده بود. صفحات روزنامه‌ای همچون ارژنگ (وزیرزاده، ۱۳۰۴) نیز به ادبیات تصویری، طنز و کاریکاتور اختصاص یافته بود. روزنامه‌هایی مانند عنقا (گلپایگانی، ۱۳۰۵) گیتی نما (اژئی، ۱۳۰۹) و فرهی (بهاءالدین، ۱۳۰۴) نیز با درج موضوعات علمی - ادبی - سیاسی - تاریخی و فلسفی به صورت خنثی عمل می‌کردند. در این میان روزنامه‌های معدودی همچون عرفان (عرفان، ۱۳۰۶) که همچون دیگر روزنامه‌ها، از حیطة وظیفه رسانه‌ای خود با موضوع سیاسی و ... دور شده بود، در کنار اختصاص بخش کمی از صفحات به اخبار کلی کشور و شهری همچون اطلاع رسانی برنامه‌های سینما، معرفی کتاب‌های تألیف شده در کشور و جهان، به مانند مجله‌های تخصصی ادبی که با ترجمه آثار نویسندگان غرب تحت تأثیر مکتب رمانتیسم غالب در کشورهای اروپایی قرار داشتند، به ادبیات روی آورده بود. در واقع مطبوعات دوره پهلوی اول از فضای رسانه‌ای خود خارج شده بودند و به روش‌های دیگر، صفحات روزنامه‌ها پر می‌شد.

مدیر مسئول نشریه عرفان

«احمد عرفان (۱۳۳۰-۱۲۷۲ ش) در اصل اهل مراغه بود، اما به دلیل اینکه پدرش در اصفهان ازدواج کرده بود، در این شهر به دنیا آمد، او برای کسب دانش به مدرسه علمیه رفت. هم زمان علوم قدیم را نیز در مدرسه صدر تحصیل کرد. علاوه بر آن علوم جدید مانند ریاضیات را نزد میرزا آقاخان محاسب الدوله، فراگرفت. زبان انگلیسی را نیز نیکو آموخته بود. تسلط و آگاهی او به ادبیات فارسی باعث شد که در مدارس جدید اصفهان مشغول به تدریس گردد. از همان آغاز دوران رضاشاه، عرفان به فکر اندیشه‌های اصلاح‌گرانه خود افتاد. عرفان، آبان ۱۳۳۰ درگذشت و در تخت فولاد اصفهان، تکیه جهانگیرخان قشقایی مدفون شد. زندگی‌نامه مفصلی از او پس از مرگش توسط معلم حبیب‌آبادی که از دوستان نزدیک او بود، تهیه شد و در روزنامه عرفان، شماره ۳۲۳۱، به تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۳۰ منتشر شد. صدرهاشمی نیز در جلد چهارم «تاریخ جراید و مجلات ایران» این زندگی‌نامه را به طور کامل درج کرده است.» (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۷-۱۶)

روزنامه چهل ستون که مدیر آن یکی از مطلعین در باب مطبوعات بود، پس از فوت احمد عرفان، درباره او نوشت: «مرحوم عرفان از شخصیت‌هایی بود که از میان توده مردم برخاسته و با پشتکار و جدیت تمام، عمری به نیک‌نامی و خدمت به خلق و بالا بردن سطح فرهنگ عمومی گذرانید. وی توانست با تأسیس مجله عرفان و بعد روزنامه عرفان، برای مدت بیست و هشت سال به هموطنان خود خدمت نماید؛ و با عضویت در انجمن شهر به مدت ۱۵ سال و عضویت در انجمن نظارت انتخابات مجلس شورای ملی، خدمات فرهنگی خود را کامل کند.» (روزنامه چهل ستون، ش ۱۱، ۱۳۳۰/۰۹/۰۴) با مرگ احمد عرفان، مدیریت و صاحب‌امتیازی روزنامه به بانو ملک عرفان رسید و در آغاز سال ۱۳۴۲ نیز دکتر بهرام عرفان سمت مدیرمسئولی و صاحب‌امتیازی روزنامه را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۲۱ که قرار شد تمام روزنامه‌های کشور دوباره مجوز بگیرند، حسینعلی احسنی، رئیس فرهنگ اصفهان، به وزارت فرهنگ وقت نامه‌ای نوشت که بخش‌هایی از شخصیت عرفان را در آن نوشته است: «آقای احمد عرفان، مدیر روزنامه عرفان، که مدت ۱۹ سال روزنامه عرفان را طبق اطلاعات صحیحی که به دست آمده و محتویات پرونده‌های مربوطه وزارت فرهنگ و این اداره هم نشان می‌دهد، به بهترین طرز با صلاحیت کاملی که از هر حیث دارا هستند، اداره نموده‌اند؛ و بخصوص در این اواخر رویه و مرام روزنامه ایشان، مورد پسند

عموم واقع بود و همیشه مقالات و مندرجاتی که برای اصلاح اوضاع عمومی جامعه مفید بوده، منتشر می‌نمودند...». (سلامی و روستایی، ۱۳۷۶: ۶۹۰) «گویا این روزنامه تا سال ۱۳۴۹ یا ۱۳۵۰ هـ در اصفهان منتشر می‌شده است». (معصومی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۷)

روزنامه عرفان

احمد عرفان بلافاصله بعد از کنار نهادن مجله عرفان (مجله عرفان بعد از سه سال فعالیت در تاریخ تیرماه ۱۳۰۶ هـ به کار خود پایان داد) روزنامه عرفان را دست‌گرفت (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۴). ... یکی از خصائص بارز عرفان جنبه اعتدال و ملایمت آن است که با ذکر کلمه عرفان در ذهن هر شنونده‌ای منقوش و مرتسم خواهد شد». (عرفان، ۲۶/ ۰۶/ ۱۳۲۴: ۱) دو سال بعد، او از اینکه حدود ربع قرن روزنامه را به طور مستمر انتشار داده است، نوشت: «کسانی که با جراید و مطبوعات سروکار دارند، می‌دانند که انتشار یک روزنامه مرتب در حدود یک ربع قرن تا چه درجه مستلزم صرف نیروی مادی و معنوی و بذل مجاهدت و تحمل خسارت می‌باشد». (همان، ۱۳۲۶/۰۴/۱۲: ۱). در واقع عرفان با پی‌گرفتن اعتدال توانست عمری مفید و مؤثر داشته باشد. «عرفان به دلیل شرایط آن روز، هیچ‌گاه وارد جنجال‌های سیاسی نشد و مسیر اعتدال را طی کرد. این روزنامه از دو مزیت مهم برخوردار بود: یکی مدت زمان طولانی انتشار آن است که آن را جزو روزنامه‌های کهن سال اصفهان قرار داده بود؛ و دیگری شیوایی قلم و نگارش و حفظ شئون اخلاقی و عفت قلم نسبت به اشخاص بود که هیچ‌گاه از آن شکایتی صورت نگرفت». (اخضری، ۱۳۸۶: ۲۲۳)

ادبیات در دوره پهلوی اول

در دوره پهلوی اول که گستره آن تا دوره پهلوی دوم می‌رسد، اندیشمندان و فرهیختگان به دلیل دوری از مسائل سیاسی به ادبیات توجه بیشتری می‌کردند. در قلمرو ادب فارسی بزرگانی همچون دهخدا و میرزا ملکم خان و ... روحی تازه در کالبد کهن نوشتار دمیده‌اند و در بخش نثر، اندیشه‌ها و قالب‌های جدیدی آورده‌اند. (عبدالعلی دستغیب، ۱۳۵۶: ۳۴) ویژگی‌های ادبی این دوره را می‌توان این چنین برشمرد؛ ظهور ناسیونالیسم باستان‌گرا؛ گرایش به رمانتیسیم و احساساتی؛ رشد

فعالیت‌های تحقیقات ادبی. (آزند، ۱۳۶۳: ۴۹) نیما یوشیج ادبیات این دوره را این‌گونه معرفی می‌کند؛ «از پشت شیشه کتابخانه‌ها، این همه اسامی جدید کتاب‌های بی‌فایده و اغلب مضر را خواندن، رنگ‌به‌رنگ - جز رنگ‌های زنده که تنها در تابلوهایتان کار می‌کنید، مصنفین و مورخین را در کوچه و بازار دیدن؛ بدون این که به وجود ایشان پی ببرند، از مقالات و صحبت‌های آنان و عده‌ای که در کلیه علوم و فنون موجود، اظهار رأی می‌کنند محظوظ شدن؛ در خیالتان مجسم کنید که یک سینمای مجانی است». (کدکنی، ۱۳۵۹: ۶۳-۶۲) در دوره پهلوی اول به طور عموم ادبیات ترجمه‌ای بسیار به چشم می‌خورد. غنی‌ترین بررسی را در این باب، «مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر» بر اساس برگه‌های موجود در آن مرکز و فهرست‌نامه‌های ایرج افشار و خانابا مشار و کتاب‌شناسی کتابخانه ملی ایران انجام داده است؛ از ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ ش، ادبیات با ۹۲ ترجمه، ۳۸/۶۶ درصد از ترجمه‌ها را به خود اختصاص داد. در دهه ۱۳۱۰ ش نیز بیشترین ترجمه‌ها در حوزه ادبیات بوده. (مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴: ۷۱-۴۹) با بررسی مطالب ترجمه‌شده، تأثیر خاص رمانتیسیم را مشاهده می‌کنیم و البته عرفان به عنوان روزنامه طرفدار معارف و ادبیات نیز از این روش دور نبوده است. ادبیات ترجمه‌ای در دوره پهلوی شکلی پررنگ‌تر به خود می‌گیرد که بر ادبیات ایران تأثیر زیادی می‌گذارد. میرعابدینی معتقد است این نوع ادبیات می‌تواند گاهی نقش مؤثرتری نسبت به دیگر انواع ادبیات ایفا کند. ترجمه می‌تواند در دگرگونی انواع ادبی و نگاه نویسندگان به ادبیات و واقعیت مؤثر باشد و حتی یک دوره شکوفایی کار تألیف و نگارش هم به دنبال خود بیاورد. (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۷۷۱) تأثیرات ادبی ممکن است مستقیم و بدون واسطه یا غیرمستقیم و از طریق واسطه‌های مختلف صورت گیرد. انوشیروانی می‌گوید: تأثیر مستقیم زمانی صورت می‌گیرد که نویسنده‌ای از طریق مطالعه و آشنایی با آثار نویسنده دیگری به زبان اصلی تحت تأثیر وی قرار گیرد، مانند تأثیرپذیری نیما یوشیج از شاعران فرانسوی. تأثیر غیرمستقیم اغلب از طریق ترجمه صورت می‌گیرد، مانند تأثیر حافظ بر گوته که از طریق ترجمه آلمانی هامر پورگشتال صورت گرفته است. (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۸) ترجمه را می‌توان شکلی از تأثیرگذاری ادبیات خارجی بر ادبیات بومی کشورها قلمداد کرد و البته در این راستا می‌توان یکی از حلقه‌های ارتباطی ادبیات معاصر فارسی و ادبیات غرب به‌ویژه فرانسه را، «نیما یوشیج» دانست که به‌حق سلسله‌جنبان

دگراندیشی و تغییرات اساسی در گستره شعر فارسی است. منطق شعر و تأثیرات نیما یوشیج و تقلید وی از ادبیات غرب را می‌توان در یادداشتی از وی به تاریخ فروردین ۱۳۲۷ دریافت؛ در آنجا که از شاعران تأثیرگذار می‌گوید: در دنیا چند نفر تأثیر عمیقی بر من بخشیده‌اند، اول نظامی، بعد حافظ، دانتی، لرمانتوف و پوشکین. در میان شعرای فرنگستان آنکه در من اثر بخشید «هوگو» در سبک روانی و روایت، «استفان مالارمه» در آنچه که از درون حکایت می‌کند و باقی حاشیه‌نشینان بودند، ولو اینکه آلفرد دوموسه باشد. (طاهباز، ۱۳۶۸، ۱۳۹) در دوره پهلوی داستان‌های کوتاه با گسترش ترجمه، رقیبی برای شعر - قدیمی‌ترین نوع ادبی ایران - محسوب می‌شود؛ که در این مسیر با توجه به تأثیر زیاد ادبیات فرانسه بر ادبیات دوران مشروطه و پهلوی، مکتب رمانتیسم بیشتر مورد توجه است؛ اگر در دوره مشروطه انقلابی، مکتب رمانتیسم بیشتر در بخش‌های اجتماعی و سیاسی از نوع آزادی بیان مورد فعال است، در دوره پهلوی با توجه به سانسورهای دولتی، مؤلفه‌های دیگر این مکتب همچون هیجان و احساس، توجه به طبیعت بشری، گریز از اجتماع و فردگرایی و... نمود پیدا می‌کند. روزنامه عرفان در دوره پهلوی اول با توجه به شعارهای درج‌شده در سرلوحه خود به خوبی نشان می‌دهد که در کنار دور شدن از مسائل سیاسی سمت و سویی ادبی با رویکرد رومانتیسم دارد. روزنامه‌هایی مانند اخگر، ارژنگ، عرفان و ...

مکتب رمانتیسم

گسترده‌گی مکتب رمانتیسم و دستاوردهای متفاوت آن، مانع از ارائه تعریف و اهداف رمانتیک می‌گردد. (جعفری، ۱۳۷۷: ۲۲) این مکتب را می‌توان نتیجه دوره‌ای دانست که در شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اروپا تغییرات عمده‌ای ایجاد کرد. این مکتب نقطه مقابل مکتب کلاسیسم قرار دارد، چرا که مکتب کلاسیسم تابع عقل است، اما در مکتب رمانتیسم این احساسات و عواطف هنرمند رمانتیک است که همه چیز را تحت سیطره خود قرار می‌دهد. رمانتیک‌ها با اهمیت ویژه دادن به احساسات و عواطف خود توانستند بر اصول و قواعد سخت کلاسیسم چیره شوند و آزادی عمل را در آثار خود متجلی سازند. به همین دلیل آثار رمانتیک، روایتگر درد، رنج، ناامیدی، عشق و امیدهای پدید آورندگانشان هستند. واژه رمانتیسم در قرن هفدهم در انگلستان در مورد تعبیرات شاعرانه به کار می‌رفت. این نام در آغاز با رمان‌های قدیمی و قصه‌های شوالیه‌گری و

جوانمردی در پیوند بود. ویژگی این قصه‌ها داشتن احساسات پرسوز و گداز، غیرواقعی نمایی، اغراق و خیال‌پردازی بود. در حقیقت رمانتیسیم یک نهضت فلسفی و ادبی است که در زمینه ادب به احساس و تخیل بیشتر از استدلال و تعقل تکیه دارد. (دادخواه، بدری، ۱۳۸۵: ۱۱۶) بنابر دیدگاه شریفی، تکیه بر احساسات و عواطف رقیق دادن به حزن و اندوه آدمی، آزادی‌خواهی و برابری طلبی ساده‌دلانه، تأثیر شدید از محیط و رویدادها و قهرمان‌سازی و قهرمان‌پروری از ویژگی‌های عمده رمانتیسیم در ادبیات است. (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۱۰) رمانتیسیم به دوره‌ای گفته می‌شود که در آن تمایلات عاطفی وارد ادبیات شده و خودی در آثار نویسندگان نشان داده است، باید گفت که دوره رمانتیسیم وقتی شروع می‌شود که نویسندگان خوش‌قریحه و جسور طرز بیان جدیدی را برای احساسات خود ابداع می‌کنند. (سید حسینی، ۱۳۶۶: ۸۹)

«در باور بعضی‌ها این ادبیات مخالف ادبیات مکتب کلاسیسم، بیشتر بر ذوق و تخیل و عواطف قلبی تکیه دارد تا بر عقل که اساس کار مکتب کلاسیسم بود». (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۴۳۲) «تسلیمی معتقد است رمانتیسیم به معنای دوری جستن از سنت‌های ادبی و در نتیجه گرایش به حسّی بودن و شخصی کردن آن است؛ رمانتیسیت‌ها با ایجاد دنیای تازه در زبان، از سوی کلاسیست‌ها به رمانتیسیم یعنی خیال‌پردازی متهم شدند». (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۱۶)

به طور کلی «رمانتیسیم را می‌توان یکی از مهم‌ترین سبک‌های ادبی دانست که سبک‌های متعدّد دیگری را شکل می‌دهد؛ سبک‌هایی همچون سورئالیسم و دادائیسیم و ... که به ظاهر با رمانتیسیم ارتباطی ندارند، اما در بعضی از اصول و رویکردهای خود با این مکتب ادبی و فکری قرابتی پیدا می‌کنند». (خواجات، ۱۳۹۱: ۷) هم‌زمان با دوره مشروطه در ایران و با توجه به روند تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ایجاد شده در کشور، برای نخستین بار و در پی ترجمه آثار ادبی غرب و تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان متمایل به این روند، رمانتیسیم وارد کشور شد. به طور کلی می‌توان گفت: ادبیات معاصر ما که از دوران مشروطه آغاز گردید، به دو طریق با مکتب رمانتیسیم آشنایی پیدا کرد؛ یکی از طریق ترجمه آثار ادبی غرب در ایران و استفاده شاعران و نویسندگان از این آثار و دوم تحت تأثیر اوضاع اجتماعی، تاریخی و تحولاتی که این شرایط را به دنبال داشت. البته آشنایی با این مکتب به معنی مطابقت کامل آثار این دوره با ویژگی‌های آثار ادبی غربی نیست و پیروی از این اصول به طور کلی در اکثر آثار ادبی معاصر به چشم نمی‌خورد.

ادبیات دوره مشروطه تا حد زیادی از شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران آن روزگار تأثیر گرفته است و وضعیت آن روزگار ایران از برخی جهات مشابه اوضاع جوامع غربی بوده است. «زرین کوب در مبحث نقد ادبی در ایران جدید می گوید: اصول تعلیم این مکتب‌ها و شیوه‌های نقدشان در نقد ادبی ما انعکاس نیافته است، یک سبب اصلی در این امر بی‌شک اختلاف در سوابق تاریخی و تفاوت در مقتضیات مادی و اقتصادی است بین ایران و اروپا؛ اما علت عمده ظاهراً آن است که صاحب نظران ما در گذشته با فلسفه‌هایی که منشأ و مبدأ بسیاری از این مکتب‌های ادبی و نقادی بوده است آشنایی درست نداشته‌اند.» (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۴) مسعود جعفری نیز در کتاب سیر رمانتیسیم در ایران از طلیعه مشروطه تا دهه بیست؛ این بازه زمانی را به سه دوره کوچک‌تر تقسیم کرده است. در میان دوره‌های سه‌گانه رمانتیسیم در ادبیات جدید فارسی، رمانتیسیم دوره اول (عصر مشروطه) از جنبه‌های مختلف، شاخص‌تر و اصیل‌تر و درعین حال غیراحساسی‌تر از دوره‌های بعد است. عمده‌ترین نمونه‌های این بخش را در پدیده‌هایی مانند دل‌بستگی آرمانی به انقلاب و آزادی؛ همدردی با محرومان و رنج‌هایشان؛ امید به آینده آرمانی؛ میهن‌دوستی و توجه به شکوه از دست‌رفته ایرانیان می‌توان دید. رمانتیک دوره دوم، فاقد یکپارچگی و وحدت نسبی رمانتیسیم عصر مشروطه است. در این دوره دست‌کم سه گرایش عمده قابل مشاهده است: رمانتیسیم طبیعت‌گرا (که نیمای طبیعت‌گرا، خلاق‌ترین چهره این گرایش به حساب می‌آید)؛ رمانتیسیم ناسیونالیستی و رمانتیسیم احساساتی و اخلاق‌گرا که حجازی برجسته‌ترین چهره این گرایش است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک به سیر رمانتیسیم در ایران از طلیعه مشروطه تا دهه بیست). به طور کلی می‌توان گفت ادبیات فارسی پیش از ظهور مکتب رمانتیسیم بسیاری از اصول آن را مبنای آفرینش‌های ادبی خود قرار داده بود و به دنبال ظهور این مکتب در غرب از آن تأثیر پذیرفت؛ چراکه زمینه قرابت فراوانی با آن داشت.

اصول مکتب رمانتیسیم

بنابر اعتقاد سیدحسینی «اگر بخواهیم هنگام معرفی این مکتب قواعد و اصول ثابتی برای آن بیان کنیم مسلماً دچار اشکال خواهیم شد؛ زیرا رمانتیسیم برخلاف کلاسیسم مکتب بسیار پیچیده و آشفته‌ای است. رمانتیک‌ها اغلب مکتب خودآرای متفاوت و بعضاً مغایری دارند و اصولی که آن‌ها

را با هم پیوند می‌دهد نامفهوم است.» (سید حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷۸) با همه این احوال از میان عقاید متنوع و مختلف و گاه متضاد رمانتیک‌ها می‌توان اصول اساسی زیر را به‌عنوان تعدادی از مهم‌ترین اصول مکتب رمانتیک معرفی کرد:

۱. هیجان و احساس

نویسندگانی که در پایان قرن نوزدهم ظهور کردند بر این باور بودند که آنچه در رمانس روی می‌دهد، بر عقل تکیه ندارد. ولک می‌گوید: «ادبیات رمانتیک برخلاف کلاسیک که بیشتر بر عقل تکیه دارد متکی بر شور و احساس است.» (ولک، ۱۳۹۲: ۱۱۴) با قاطعیت می‌توان گفت توجه به احساس یک اصل مهم برای رمانتیک‌هاست. ... عشق حقیقی آتش مخربی است که شعله خود را به احساسات دیگر، نیز سرایت می‌دهد و آن‌ها را به یک فوت جدید زنده می‌سازد. از اینجاست که گفته‌اند عشق قهرمان‌ها خلق می‌کند: ژان ژاک روسو (س ۱۹، ۱۶/۰۶/۱۳۰۸: ۱) عشق در روزنامه عرفان گاه زمینی است: نامه‌ات را خواندم ترجمه عبدالحسین سپنتا: دیشب هنگامی که نخستین پرتو ماه از پس درختان سر برآورده و از میان شاخه‌های نارگیل امواج دریای آرام را که سر به ساحل می‌سود روشن می‌نمود؛ نامه‌ات را خواندم (س ۲۱، ۱۵/۰۷/۱۳۱۷: ۱)؛ و گاهی بیزار از عشق‌های زمینی و مجازی، عشق آسمانی را تقدیر می‌کند: عشق مجازی نمی‌تواند پایدار باشد. زیرا چیزی را دوست می‌دارد که بقا ندارد... عشق آسمانی راجع به روح است و دلدادۀ یک روح زیبا در تمام عمر باوفا می‌ماند زیرا؛ به چیزی دلباخته است که ازلی و ابدی است. (س ۰۷، ۱۵/۰۷/۱۳۱۷: ۱) و یا گاهی عشق مجازی را راهی به عشق خدایی می‌بیند... به تو ای آیه رحمت و مظهر کمال خدا، قسم به یزدان که خدای را دلیل آشکار و نشانی مسلم می‌باشی. به تو ای مایه خوشبختی‌ها و به تو ای علت ابدیت و خلود؛ (س ۱۵، ۱۵/۰۸/۱۳۱۷: ۱)؛ و گاهی از عشق‌های خیالی می‌نویسد: آنجا که از زبان چنگ به قلم عبدالحسین سپنتا و تحت تأثیر افکار هندی می‌آورد: چنگ کهنه با قامت خمیده در دست دوشیزه زیبایی چنین می‌گفت: منم آن پیر کهن سال که هنوز در دست دلبران جوان و شایسته هم‌نشین آنان می‌باشم. قامت خمیده من تکیه‌گاه بازوان ظریف لعبتان زیباست که با سرانگشت لطیف خویش رشته‌های دل مرا نوازش می‌دهند. (سال ۱۵، ۱۱/۰۷/۱۳۱۷: ۱)

۲. توجه به طبیعت و طبیعت بشری:

الف - طبیعت بشری

تکیه و تأکید بر طبیعت بشری از مهم‌ترین خصیصه‌های مکتب رمانتیسم است به طوری که میرصادقی می‌گوید: «به اعتقاد هنرمندان این مکتب، بشر تنها در موقعیت‌های طبیعی خصایص بشری خود را حفظ می‌کند و تمدن و اجتماع، مایه فساد روح طبیعی بشر می‌شود». (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۱۱۲) اومانیسم یا انسان‌گرایی اگرچه مکتبی جداگانه محسوب می‌شود، اما به دلیل اهمیت بسیاری که شاعران و نویسندگان مکتب رمانتیک به انسان‌گرایی در آثارشان نشان می‌دهند، می‌تواند به روش خاص در ردیف شاخصه‌های رمانتیک به حساب بیاید. بنابر دیدگاه باوره، شاعران رمانتیک دارای منظر مشهودتری درباره انسان و نیز شعر بودند؛ زیرا اعتقاد داشتند سرشت معنوی انسان به‌طور کلی درخور اهمیت است. (باوره، ۱۳۸۶: ۷۶) در جای جای روزنامه عرفان، طبیعت بشری و توجه به انسان و انسانیت و آموزش ایجاد ارتباط با همنوع مشاهده می‌شود. مطلبی با ترجمه رضا فیض کرمانشاهی با عنوان شگفت‌انگیزترین بانوی جهان با موضوع زندگی هلن کلر را ترجمه کرده است، از سولیوان مربی کلر می‌خوانیم: ... سولیوان ایرلندی است و برای تربیت این تکه از انسان (هلن کلر) که فقط شبیحی از آدمیت بود با کمال شجاعت با مشکلات دست به گریبان شد. این بانو قبلاً خودش تقریباً کور بوده و هنگامی که چشمانش خوب شدند به پاداش این زحمت، بر آن شد که زندگی خود را فدای آموختن بیچارگان بنماید (س ۱۰، ۱۵/۱۱/۱۳۱۷: ۱). عشق مادری و فرزندی یک احساس غریزی در طبیعت بشری است که از دیگر مقوله‌های متون ادبی عرفان است؛ مانند جایی که از عشق مادری و دل‌تنگی او برای پسرش می‌آورد: از اشعار ویلیام ورد ذورت: مادر پریشان؛ تو ای پسر عزیزم کجا هستی دوری تو برای من از مرگ سهمگین‌تر است؛ من باید بهر وسیله هست ترا پیدا کنم... زیرا؛ در این جهان هیچ‌کس را به‌غیر از تو ندارم (س ۲، ۱۵/۰۹/۱۳۱۷: ۱). ازدواج و جفت‌یابی از دیگر مقوله‌های مربوط به نیازهای طبیعی انسان‌هاست: جوانانی که نیروی توسل به دامن عفت و فضیلت را ندارند. سزاوار آن است که پیش از ازدواج و زناشویی دوره محبت و عاشقی خود را طی کنند... بر هر فرد بالغ عاقلی واجب است که ازدواج کند، اما نه به قصد لذت و شهوت‌رانی بلکه برای اصلاح عمومی و

نگاهداری نوع بشر ازدواج باید به قصد سعادت زندگی و خوشبختی عمومی باشد. تولستوی (س) ۱۵، ۱۳۱۷/۱۲/۱۸: (۱).

ب- توجه به طبیعت

پروانه و گل از ویکتور هوگو، صحبت بین شکوفه زرد و پروانه، صحبت های گل که از سر حسرت و عشق به پرواز است خواندنی است (س ۱۶ ۱۳۱۸/۰۲/۰۱: ۲). غنچه و حیات: زندگی درست مانند و به منزله این غنچه است در دوره جوانی می خندد و لبخندش دل بلبل را می گدازد. در برابر طوفان حوادث بادهای سخت هر جا می ایستد ... ای پیرمردان خمیده قامت، درست نگاه کنید زندگی خواب و خیالی بیش نیست (س ۱۰، ۱۳۱۲/۰۸/۰۱: ۱). قلب خونین: اگر موهای پریشان من به پیشانی صورتم نمی ریخت، اگر چشمم در حلقه فرو نمی رفت، اگر لاشه لاغر و نحیف من مانند شاخه خزان رسیده نشده بود، هرگز در انجمن دیوانگان راه نمی یافتم... بیا برای خاطره های شیرین و شورانگیز من گل برگی که به نام قلب به تو تقدیم کنم را بپذیر (س ۱۰، ۱۳۱۲/۰۸/۴: ۱). نامهات را خواندم ترجمه عبدالحسین سپنتا: دیشب هنگامی که نخستین پرتو ماه از پس درختان سر برآورده و از میان شاخه های نارگیل امواج دریای آرام را که سر به ساحل می سود روشن می نمود. (س ۱۵، ۱۳۱۷/۰۷/۲۱: ۱)

۳. گریز از اجتماع و دعوت به سیاحت:

اگر رمانتیسیم را از یک سو نوعی گریز و فرار از اجتماع و انتقاد از روزگار بدانیم از دیگر سو باید آن را نوعی دعوت به سیر و سیاحت در دنیای اطراف دانست. «یکی از مشخصات آثار رمانتیک، گریز از جامعه و روی آوردن به سیاحت است که شاعر یا نویسنده در آن خسته و ناتوان از مکان زندگی و از زمانه و روزگار تیره خویش، با تلاش کردن در اندیشه فرار از این فضا به سوی فضاهای مکانی و زمانی دیگر پناه می برد. نویسنده رمانتیک طایر فکر را به سوی سرزمین های دیگر و کشورهای دوردست پرواز می دهد». (سیدحسینی، ۱۳۶۵: ۹۰) هنرمند رمانتیک به دلیل نارضایتی از وضع موجود زمانه اش در جستجوی سرزمین و موقعیتی است که به نوعی رضایتش را

فراهم آورد و چون آن موقعیت را در زمان و مکان عینی به دست نمی‌آورد ناچار به سفر ولو سفر تخیلی می‌شود تا تسکینی باشد بر آلامش. بنابر بر گفته جعفری جزی «مهم‌ترین چیزی که رمانتیسیم به جهان امروزی هدیه کرد این بود که هر موجود انسانی از هویت متمایز و خاصی برخوردار است. فردگرایی رمانتیک‌ها به‌جای تکیه صرف بر عقلانیت که پدیده‌ای عام و همگانی است، بر درون فرد و آن چیزی تکیه می‌کند که منحصر به اوست و او را از دیگران متمایز می‌کند». (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۱۹) به بیانی دیگر می‌توان گفت: «رمانتیک‌ها صرف‌نظر از مقاصدی که دنبال می‌کردند، همواره در جست‌وجوی «من» خویش بودند». (لوکاج و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰) سیر و سیاحت در درون فرد و فردگرایی در متون روزنامه به‌وضوح دیده می‌شود. شام هجران: تیره شبی بود چون زلف تو سیاه، جهان درهم و آشفته با طبیعت سیاه‌پوش و پریشان، امواج دریا با ناله‌های یکنواخت به سوی ساحل پیش می‌آمد و سر به سنگ می‌سود ... در چنین شبی نه نسیم فرح‌بخش می‌وزید و نه ماه جهانتاب، ... آنچه دیده می‌شد متأثر و متأسف بود و آنچه به گوش می‌رسید چون ضجه و ناله و فریاد می‌نمود و تنها روزنه امید و فقط دریچه‌ای که بدل افسرده من گشاده می‌شد پرتو عشق بود که از روزگار دیرین مرا به خود مشغول داشته بود (س ۱۶ ۱۳۱۸/۰۵/۰۸: ۱). تو ای بنفشه زیبا و خوش‌رنگ که در اینجا روئیده‌ای تو جایت بر سر قبر شاعر است حالا که هوا این قدر لذت بخش است باید از این تپه باشکوه از باران سبز و خرم گشته بالا روم (س ۱۳۱۷/۰۹/۱۵، ۱۰: ۱). چه می‌خواهم؟ درین حیات سراسر رنج و ملال چه می‌خواهم؟ او رفت، جوانی‌ام را ترک گفت کسی که مانند من باشد به‌جز مرگ چه می‌خواهد؟ آلفرد دوموسه (س ۱۳۱۸/۰۶/۱۶، ۲۵: ۱). از آثار تاگور: گلم را از دست دادم: شکوفه گیتی را چیدم و بر قلب خود گذاردم؛ خار آن مرا رنجه کرد؛ هنگامی که روز بسر آمد و شب پرده سیاه بروی جهان گسترد، آن شکوفه زیبا پژمرده شد، اما دردی که از خار بر قلب من واحد آمد هنوز باقی است (س ۱۳۱۷/۱۲/۲۷، ۱۵: ۱).

۴. عشق به وطن

وطن دوستی و عشق به سرزمین از دیگر مؤلفه‌های ادبیات رمانتیک است. «اولین خصیصه رمانتیسیم در ایران به کار بردن مضامینی مانند وطن است». (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۲۳) وطن پرستی در روزنامه عرفان در چند وجه دیده می‌شود. یکی افتخار به وجود بزرگان علم و ادب و فرهنگ این سرزمین است: یادگار جشن فردوسی: نام ایران و شاهنشاه کبیر ایران و زبان و آداب فردوسی شاعر ایران ورد زبان و نقل انجمن‌ها و آرام‌بخش قلوب آن‌هاست (س ۱۳، ۱۲/۰۶/۱۳۱۴: ۱). فرهنگ ایران: ایران از قدیم‌ترین زمان می‌تواند علائم پرافتخاری نشان دهد که کشور شعر و هنر سرزمین بزرگان و مهد علوم بوده، ادبیات و دانش کهن سال ما ثابت کرد که ایرانیان از دوران دیرین دانش‌پرور و مهرگستر بوده‌اند. (س ۱۵، ۱۶/۰۱/۱۳۱۹: ۱) در تاریخ ترقی ایران پهلوی فصلی دلکش مخصوص ترقیات و پیشرفت‌های معارفی است که اوامر جهان و طالع همایونی درین باب به وسیله آقای حکمت وزیر دانشمند انجام یافته است و نهضت اصلاحی زبان فارسی نیز از اقدامات ذی حکمت ارزش خاصی خواهد داشت. (س ۱۸، ۱۲/۰۶/۱۳۱۴: ۱) اشاره به پیشرفت‌های کشور در زمینه نظامی و اجتماعی منظر دیگری از وطن پرستی است: کشوری که به سرعت برق، با گام‌های منظم مراحل تعالی را طی می‌کند، نه تنها جالب اعجاب و توجه علما و سیاسیون شرق و غرب می‌گردد، بلکه می‌کوشند علل و نکات تفوق را دریابند و این نمونه و سرمشق را با سطور طلائی در دفتر تاریخ تمدن و اجتماعات بشری ضبط کنند (س ۲۰، ۱۲/۰۶/۱۳۱۴: ۱). توجه به ویژگی‌های ارزشمند مردم ایران و افتخار به پیشینیان از دیگر رویکردهای این روزنامه است: مطمئن باشید ترقیات سپاهی و علمی ایران و علو نظر و بلندی همت نیاکان ما و تشویقاتی که به نوبه خود، سرپرستان ایران به این مسائل داشته‌اند، یک اصل مخصوصی است که از طرف ما جز نظر تصدیقی و تأییدی چیزی نسبت به آن‌ها ابراز نخواهد شد و ممکن نیست حس حق شناسی ایرانی اجازه بدهد آن‌همه قدرت و سطوت و عزت را فراموش کرده و به نام مؤسس و خلاق آن‌ها با نظری غیر از توقیر و احترام نگاه کند (س ۱۲، ۰۴/۰۴/۱۳۱۵: ۱). با توجه به اینکه عرفان یک

روزنامه اصفهانی است، توجه به شهر اصفهان و آثار باستانی این شهر نیز بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد: کعبه اصفهان: کاسه زرین باژگون یا سرپوشیده فیروزه‌ای؛ ... اصفهان را گاهواره آثار تاریخی باید دانست و این آثار را قهرمان اثرهای تاریخی و ملی این آفاق، شناخته و معرفی کرده است. (س ۱۲، ۱۶/۰۶/۱۳۱۴: ۱) یکی از فعالیت‌های این روزنامه در بخش وطن‌دوستی، معرفی کتاب‌هایی است که در زمینه ادبیات چاپ شده: رساله یادگار و جشن هزارمین سال فردوسی به دو زبان ایرانی و انگلیسی، کتاب سخنوران ایران تألیف دینشاه ایرانی (س ۱۲، ۱۶/۰۹/۱۳۱۴: ۱). ترجمه کتاب هزار میل در ایران، در خصوص تاریخ ایران، ترجمه ح: سعادت نوری، ترجمه آثار ادبی نویسندگان خارجی... (همان: ۴) گفتار بزرگان دینی، فلسفه، شاعران اسلام و جهان (س ۲، ۱۴/۰۶/۱۳۱۸: ۱).

نتیجه گیری

مکتب اروپایی رمانتیسیم ابتدا در دورهٔ مشروطیت بر ایران و به ویژه اندیشهٔ شاعران و نویسندگان این سرزمین تأثیر گذاشت؛ آرمان‌خواهی، آزادی‌طلبی، تکیه بر فردیت و هماهنگی این مکتب با روح ستم‌کشیدهٔ ایرانیان از مهم‌ترین عواملی است که به رواج و گسترش رمانتیسیم ایرانی کمک شایانی کرد. اما در دورهٔ پهلوی اول که نویسندگان با توجه به سانسورها و خفقان‌های ایجادشده، در راستای اطلاع‌رسانی و گذار از سنت، به ترجمهٔ متون علمی، ادبی و... روی آورده بودند، محتوای مطالب، به سوی ادبیاتی آرام سوق داده شد که البته به خاطر گسترش ترجمهٔ متون ادبی متأثر از مکتب رمانتیسیم، ویژگی‌های این مکتب بیشتر مورد بهره‌برداری قرار گرفت. روزنامهٔ عرفان که به‌عنوان یک روزنامه محلی در دورهٔ پهلوی اول منتشر می‌شد، به مانند بیشتر روزنامه‌های آن دوره، در عرصهٔ نثر ادبی به نحوی بارز به اصول و الگوهای فکری و زیباشناختی مکتب ادبی رمانتیسیم گرایش داشت. از ویژگی‌های شاخص متأثر از مکتب رمانتیسیم در این روزنامه می‌توان به بروز و بیان احساسات و هیجانات چه درونی و چه بیرونی، توجه به انسانیت و تمایلات انسان به سفرهای واقعی یا تخیلی، کشف و شهود افسون کلام و تمایل به طبیعت ناب و زندگی در دنیای خیالی و حقیقی اشاره کرد. اگرچه ماهوی مکتب رمانتیسیم اروپایی با مکتب شکل‌گرفته در ادبیات فارسی تفاوت‌هایی دارد، اما با بررسی تأثیر رمانتیسیم ایرانی در روزنامهٔ عرفان، نگارنده به این نتایج دست‌یافته است: از مؤلفه‌هایی همچون احساس و هیجان، طبیعت‌گرایی، گریز از اجتماع و روی آوردن به فردیت، تخیل، عشق به وطن و...، هیجان و احساس رتبهٔ اول را در روزنامه به خود اختصاص داده است. شور و هیجان در متون روزنامهٔ عرفان موج می‌زند و مخاطب را به دنیای عشق و اشتیاق می‌برد.

سیاحت و گریز از اجتماع از مؤلفه‌های دیگر مکتب رمانتیسیم است که به دلیل نارضایتی از وضع موجود جامعه آن روزگار و وجود سرکوب‌های پهلوی، به‌طور ضمنی در روزنامه مطرح می‌شود. عشق به وطن از دیگر مؤلفه‌های مکتب رمانتیسیم است که با توجه به گرایش رضاشاه

پهلوی به وطن و ناسیونالیسم، موضوعی مورد توجه در روزنامه عرفان محسوب می شود. گفتنی است در این مقاله به مؤلفه دیگر این مکتب «تخیل» کمتر پرداخته شده است، چراکه این شاخص در اشعار و به طور کلی نظم بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد. با این حال باید گفت تأکید بر تخیل از ویژگی های اصلی رمانتیسم است و در برابر تجربه قرن ها رویکردهای عقل محور در کنار تأکید مکتب کلاسیسم بر به کارگیری باید و نبایدها ایستاده است.

فهرست منابع و مآخذ

الف - کتابنامه

- ۱ - آژند، یعقوب، (۱۳۶۳)، *ادبیات نوین ایران*، تهران، امیرکبیر.
- ۲ - انصاری، هرمز، (۱۳۷۹)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان*، تهران، نقش جهان.
- ۳ - انوشه، حسن، (۱۳۷۶)، *فرهنگ‌نامه ادب فارسی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۴ - اخضری، علی؛ منتظرالقائم، اصغر، (۱۳۸۶)، *مشاهیر مطبوعاتی اصفهان* (مدفون در تخت فولاد) تهران: کانون پژوهش.
- ۵ - باوره، موریس، (۱۳۸۶)، «*تخیل رمانتیک*» (مجموعه مقالات رمانتیسیم)، مترجم: فرشید شیرازیان، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- ۶ - تسلیمی، علی (۱۳۸۳)، *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران* (شعر)، تهران: اختران.
- ۷ - جعفری، مسعود، (۱۳۸۶)، *سیر رمانتیسیم در ایران از مشروطه تا نیما*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- ۸ - خواجهات، بهزاد، (۱۳۹۱)، *رمانتیسیم ایرانی*، تهران: بامداد نو.
- ۹ - دستغیب، علی، (۱۳۵۶)، *نیما یوشیج نقد و بررسی*، تهران: انتشارات پازند.
- ۱۰ - زرین کوب، غلامحسین (۱۳۵۸)، *چشم‌انداز شعر فارسی*، تهران: توس، چاپ اول.
- ۱۱ - سلامی، غلامرضا و روستایی، محسن (۱۳۷۶)، *اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲)*، ج سوم، تهران: سازمان اسناد ملی.
- ۱۲ - سلطان، مرتضی، (۱۳۶۹)، «*کتاب‌شناسی مطبوعات ایران*»، رسانه، شماره ۳، صص ۸۵-۸۱.
- ۱۳ - سید حسینی، رضا (۱۳۸۱)، *مکتب‌های ادبی*، تهران: نگاه.
- ۱۴ - شریفی، محمد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ ادبیات فارسی*، تهران: نشر نو.
- ۱۵ - شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۹)، *ادوار شعر فارسی*، تهران: توس.
- ۱۶ - صدرهاشمی، محمد، (۱۳۶۳)، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، (جلد ۴) اصفهان: کمال.
- ۱۷ - طاهباز، سیروس، (۱۳۶۸)، *برگزیده آثار نیما یوشیج*، تهران انتشارات بزرگمهر، چاپ اول.

- ۱۸ - لوکاچ، گنورک و دیگران، *مجموعه مقالات رمانتیسم*، مترجم: مراد فرهادپور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ دوم.
- ۱۹ - میر صادقی، میمنت، (۱۳۷۳)، *واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: انتشارات مهناز*، چاپ اول.
- ۲۰ - میرعابدینی، حسن، (۱۳۷۷)، *صدسال داستان‌نویسی ایران*، جلد ۴، تهران: چشمه.
- ۲۱ - خاتل خانلری، پرویز (۱۳۲۵)، *گزارش نخستین کنگره نویسندگان ایران*. تهران: بی‌جا.
- ۲۲ - ولک، رنه، (۱۳۷۷)، *مفهوم رمانتیسم در تاریخ ادبی ایران*، مترجم: مجتبی عبدالله‌نژاد، مشهد: چاپ اول.

ب- مقالات و مجلات

- ۲۳ - انوشیروانی، علیرضا، (۱۳۸۹)، «*ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران*»، *ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، شماره اول، صص ۳۸-۶.
- ۲۴ - ثروت، منصور (۱۳۸۲)، «*مکتب رمانتیسم*»، *بیک نور*، شماره ۲، صص: ۵۸-۴۰.
- ۲۵ - جوادی، محمدحسین و آسیب‌پور، محسن، (۱۳۸۷)، «*طبقه‌بندی انواع ادبی از منظر نظریه پردازان مکتب رمانتیسم*»، *نقد زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱، صص: ۵۶-۳۳.
- ۲۶ - دادخواه، حسن؛ حیدری، محسن (۱۳۸۵)، «*رمانتیسم در شعر بدرشاگردالسیاب*»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان*، شماره ۱۹، پیاپی ۱۶، صص: ۱۴۰-۱۲۹.
- ۲۷ - زندیه، حسن و اسماعیلی، محسن (۱۳۹۰)، «*روح نامرئی شعر فارسی و تأثیر عامل‌های سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی بر فرازوفرود رمانتیسم فارسی*»، *جستارهای تاریخی*، سال ۱۲، شماره ۱، صص: ۱۵۶-۱۲۷.
- ۲۸ - کولائیان، فردین، (۱۳۸۰)، «*مطبوعات ایران در قرن بیستم*»، *ماه*، شماره ۲، صص ۵۸-۴۰.
- ۲۹ - مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر، *ترجمه در نیم‌قرن اخیر*، ج ۴، صص: ۷۱-۴۹.

ج- نشریه ها

- ۳۰ *خگر*، مدیرمسئول: امیرقلی امینی، روش انتشار: اجتماعی - شهری، آغاز انتشار: ۱۳۰۶
- ۳۱ *مژنگ*، مدیرمسئول: میرزا عبدا... وزیرزاده، روش انتشار: فکاهی و کاریکاتور، آغاز انتشار: ۱۳۰۶
- ۳۲ *فسانه*، مدیرمسئول: محمد رضانی، روش انتشار: ادبی - فرهنگی، آغاز انتشار: ۱۳۰۹
- ۳۳ *صدای اصفهان*، مدیرمسئول: محمدعلی مکرم حبیب آبادی، روش انتشار: اجتماعی، طنز و فکاهی، آغاز انتشار: ۱۳۰۴
- ۳۴ *عرفان*، مدیرمسئول: احمد عرفان، روش انتشار: ادبی - علمی، آغاز انتشار: ۱۳۰۶
- ۳۵ *عنقا*، مدیرمسئول: اسدالله گلپایگانی، روش انتشار اخلاقی - ادبی - اجتماعی - فکاهی، آغاز انتشار: ۱۳۰۵
- ۳۶ *نهرمی*، مدیرمسئول: آقا میرزا بهاءالدین، روش انتشار: ادبی - فلسفی، آغاز انتشار: ۱۳۰۴
- ۳۷ *گیتی نما*، مدیرمسئول: مهدی اژئی، روش انتشار: علمی - ادبی - سیاسی - تاریخی - کاریکاتور، آغاز انتشار: ۱۳۰۹